



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر دوم: استقلال بحث صحیح و اعم

سال: پنجم

تاریخ: ۲۳ دی ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۳۵

جلسه: ۵۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث پیرامون وجوهی بود که برای تصویر نزاع در مسئله صحیح و اعم طبق نظر منکرین حقیقت شرعیه ارائه شده بود. اختلاف است که آیا اصلاً نزاع در مسئله صحیح و اعم را می‌توان طبق قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه و مجازیت استعمالات شارع تصویر کرد یا نه؟ عرض کردیم وجوهی برای تصویر نزاع طبق این قول ذکر شده؛ وجه اول وجهی است که از طرف مرحوم آخوند ارائه شده که تفصیل آن در جلسه گذشت بیان شد، ایشان نزاع را تصویر کرد و گفت امکان دارد که کسی حقیقت شرعیه را قبول نداشته باشد و مدعی باشد شارع به هیچ وجه هیچ لفظی را برای معنایی وضع نکرده و اصلاً در کار وضع و واضع دخالت نکرده و تنها کاری که انجام داده این است که مجازاً بعضی از الفاظ را در غیر موضوع له خودش استعمال کرده؛ مثلاً لفظ «صلاة» را که برای دعا وضع شده در عبادت مخصوص مجازاً استعمال کرده است، پس امکان دارد کسی حقیقت شرعیه را قبول نداشته باشد اما در عین حال در نزاع در بحث صحیح و اعم هم شرکت کند.

اشکال مرحوم آخوند:

ایشان اشکالی را به تصویری که خود از محل نزاع ارائه کرده ایراد نموده و نخست فرمود این تصویر ثبوتاً ممکن است اما در پایان به این مطلب اشکال کرده و می‌فرماید: اثبات این مطلب ممکن نیست. پس ایشان می‌فرماید: این بیان در حد تصور صحیح است اما قابل اثبات نیست و ما راهی برای اثبات این مطلب نداریم؛ چون نزاع طبق این بیانی که ما مطرح کردیم متوقف بر دو امر است:

امر اول: اساساً اعتبار علاقه از طرف شارع بین معنای لغوی و معنای صحیح بعینه یا اعتبار علاقه ابتدائاً بین معنای لغوی و معنای اعم بعینه ثابت شود، پس برای تصویر این نزاع طبق قول منکر حقیقت شرعیه باید بتوان ثابت کرد شارع زمانی که خواسته مثلاً لفظ «صلاة» را مجازاً در عبادت مخصوص بکار برد باید یک نحوه علاقه را بین معنای حقیقی و معنای مجازی اعتبار کرده باشد که طبق قول صحیحی باید این علاقه از طرف شارع بین معنای لغوی و معنای صحیح اعتبار شده باشد و طبق قول اعمی باید این علاقه بین معنای لغوی و معنای اعم اعتبار شده باشد، پس امر اولی که باید ثابت شود این است که باید علاقه بین معنای لغوی و معنای مجازی از طرف شارع اعتبار شده باشد.

امر دوم: باید ثابت شود بنای شارع در محاورات و گفتگوهای که با مخاطبین خود دارد بر این است که اگر قرینه خاصی غیر از قرینه صارفه نصب نکرد کفایت می‌کند، پس باید بنای شارع بر این استوار باشد که برای استعمال مجازی صرفاً به قرینه‌ای تکیه کند که لفظ را از معنای لغوی به معنای مجازی منصرف کند و به قرینه بیش از آن نیازی نباشد. مثلاً همین قدر که «صلاة» را اعتبار کرد و قرینه‌ای آورد که منظور من از این لفظ، دعا نیست بلکه منظور من از این لفظ، عبادت مخصوص است کفایت کند و نیازی به قرینه دیگری نباشد که بگوید منظور من مثلاً معنای صحیح یا معنای اعم است.

پس مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر بخواهیم تصویر نزاع بحث صحیح و اعم را طبق قول منکرین حقیقت شرعیه ثابت کنیم دو امر فوق باید ثابت شود در حالی که ما راهی برای اثبات این دو امر نداریم، پس در واقع آنچه که از طرف ما برای تصویر نزاع بین صحیح و اعم بیان شد متوقف بر دو امر است که قابل اثبات نیست لذا این نزاع طبق قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه قابل تصویر نیست.^۱

پس محصل نظر مرحوم آخوند طبق این اشکالی که از طرف خودشان مطرح شده این است که بحث صحیح و اعم متفرع و وابسته به بحث حقیقت شرعیه است و بحثی مستقل از آن محسوب نمی‌شود، لذا فقط کسانی می‌توانند در نزاع صحیح و اعم شرکت کنند که قائل به ثبوت حقیقت شرعیه باشند.

بررسی کلام مرحوم آخوند:

اصل تصویر مرحوم آخوند مشکلی ندارد، عمده این است که ببینیم اشکالی که ایشان به کلام خود ایراد کرده وارد است یا نه؟ ما عرض می‌کنیم اشکال مرحوم آخوند وارد نیست، ایشان فرمود ما باید دو امر را اثبات کنیم در حالی که این دو قابل اثبات نیست ولی ما می‌گوییم این دو امر قابل اثبات است. در اینجا برای اینکه پاسخ از اشکال محقق خراسانی روشن شود خوب است به وجهی که محقق نائینی برای تصویر نزاع صحیح و اعم طبق قول منکرین حقیقت شرعیه ارائه داده اشاره کنیم که ضمن اینکه وجه مستقلی است پاسخ از اشکال محقق خراسانی هم محسوب می‌شود.

وجه دوم: محقق نائینی

محقق نائینی راهی را برای اثبات این مطلب ذکر کرده و گفته به طور کلی با ملاحظه چند نکته این مطلب قابل اثبات است: نکته اول: در لسان متشرعه (عصر صادقین (ع)) معلوم شده بود که مثلاً منظور از لفظ «صلاة» دعا نیست بلکه منظور از این لفظ، عبادت مخصوص است یعنی یک حقیقتی برای این لفظ و امثال آن در بین متشرعه شکل گرفته بوده، این حقیقت که در لسان متشرعه در زمان حاضر قطعاً تحقق پیدا کرده و این تحقق به تبع استعمالات شرعی بوده، حال چه شارع در قرآن و چه در روایات این الفاظ را به نحو حقیقت استعمال کرده باشد یا به نحو مجاز ولی آنچه الآن تحقق پیدا کرده و ما از این الفاظ

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۵.

می‌فهمیم و به ذهن متبادر است فقط معنای حقیقی است، پس نکته اولی که باید به آن توجه شود این است که الآن در بین متشرعه و مسلمین الفاظ عبادات و معاملات حقیقت ظاهر در معنای شرعی خود هستند و این به تبع استعمال شارع صورت گرفته اعم از اینکه شارع آن را حقیقتاً استعمال کرده باشد یا مجازاً.

حال ما در تصویر محل نزاع می‌گوییم این معنای که الفاظ عبادات و معاملات در آنها استعمال شده و در زمان حاضر ما آن معنای را از این الفاظ می‌فهمیم و به ذهن متبادر می‌شود آیا خصوص صحیح را شامل می‌شود یا اعم از صحیح و فاسد؟ پس ما به عنوان متشرعه می‌توانیم این نزاع را تصویر کنیم، وقتی ما بتوانیم این نزاع را تصویر کنیم اگر گفتیم الآن مثلاً لفظ «صلاة» به معنای عبادت صحیح می‌باشد کلام شارع را بر معنای صحیح حمل می‌کنیم و می‌گوییم اصل در استعمال شارع هم مثل استعمال متشرعه معنای صحیح است ولی اگر ما گفتیم معنای اعم از این لفظ متبادر است یعنی لفظ «صلاة» هم نماز صحیح را شامل می‌شود و هم نماز فاسد را کلام شارع را هم بر معنای اعم حمل می‌کنیم و می‌گوییم اصل در استعمال شارع معنای اعم از صحیح و فاسد است، چون آنچه به ذهن ما متبادر شده به تبع استعمال شارع است پس تبادر نزد ما کاشف از اصل در استعمال شارع است اعم از اینکه استعمال شارع حقیقت باشد یا مجاز چون ما اصلاً کاری به نحوه استعمال شارع نداریم و ما هم در صدد اثبات حقیقی یا مجازی بودن این استعمال نیستیم، چون اصلاً حقیقی یا مجازی بودن استعمال در تصویر محل نزاع بین صحیح و اعم دخالتی ندارد.^۱

پس اساس فرمایش محقق نائینی این است که می‌گوید لحاظ علاقه ابتدائاً بین معنای صحیح و معنای لغوی یا معنای اعم و معنای لغوی ممکن است و اثبات این امر ممکن است به این نحو که در زمان حاضر آنچه از الفاظ عبادات و معاملات به ذهن ما متبادر است معنای شرعی آنهاست نه معنای لغوی و این تبادر به تبع استعمالات شارع شکل گرفته و فرقی هم نمی‌کند این استعمالات حقیقی باشد یا مجازی، چون آنچه مهم است این است که شارع این الفاظ را در معنای شرعی بکار برده و مهم نیست که استعمال او به نحو حقیقت باشد آن گونه که قائلین به حقیقت شرعی می‌گویند یا مجازاً استعمال کرده باشد آن گونه که منکرین حقیقت شرعی می‌گویند.

پس ما به تبع شارع الفاظ عبادات و معاملات را در معنای شرعی آنها بکار می‌بریم لذا نزاع بین صحیحی و اعمی قابل اثبات است به این نحو که می‌گوییم آیا مثلاً مراد از لفظ «صلاة» که حقیقتاً یا مجازاً در عبادت مخصوص استعمال شده خصوص نماز صحیح است یا اعم از صحیح و فاسد، حال وقتی در بین متشرعه چنین نزاعی قابل تصویر باشد کلام شارع هم بر همان معنای متبادر نزد متشرعه حمل می‌شود، یعنی اگر گفته شود منظور از صلوة، عبادت صحیح است کلام شارع هم بر عبادت صحیح حمل می‌شود و اگر گفته شود منظور اعم از صحیح و فاسد است کلام شارع هم بر اعم حمل می‌شود، پس اینکه گفته

۱. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۳۴.

می‌شود اصل در استعمال شارع خصوص صحیح است یا اعم و در بین ما هم این مسئله قابل تصویر است به تبع استعمال شارع محقق شده پس کشف می‌کنیم از اینکه در استعمالات شارع هم اصل یا خصوص صحیح است یا اعم از صحیح و فاسد هر چند استعمال صورت گرفته مجاز باشد.

پس بحث صحیح و اعم مستقل بوده و متفرع بر بحث حقیقت شرعیه نیست، یعنی نزاع بین صحیحی و اعمی طبق قول منکرین حقیقت شرعیه هم قابل تصویر است. پس کلام محقق نائینی در عین حال که وجه مستقلی برای تصویر نزاع طبق قول منکرین حقیقت شرعیه می‌باشد پاسخ از اشکال مرحوم آخوند هم می‌باشد.

«والحمد لله رب العالمین»